



پرسش‌هایی از: ماریو وارگاس هُسا(یوسا)

تروخیلو هم همین مورد پیش آمد. او سخنران بزرگی نبود، اما جوهر این کار را داشت و نیز عمل ارائه‌ی خودش را و اینکه بر بخش وسیعی از جامعه اثر گذار بود.

- آیا ناراحت کننده نیست که ببینید آمریکای لاتین از نظر خبری در بی خبری است اکنون که نظرها همه بر آسیای جنوبی و خاورمیانه است؟

خب، بهبودی بسیار بسیار مهمی اکنون در منطقه وجود دارد. برای نخستین بار در تاریخ، آمریکای مرکزی از آرامش برخوردار است. همه‌ی کشورها کم و بیش حکومت‌های مدنی دارند که ناشی از انتخابات آزاد است.

- پس هیچ خبر تازه‌ای از آمریکای لاتین به گوش نمی‌رسد؟

آه چرا، بدون شک. شانس بد اکنون در این است که دقیقاً هنگامی که آمریکای لاتین در شرایط خوب سیاسی به سر می‌برد، امکانات سرمایه‌گذاری بسیار ضعیف است. دموکراسی به حمایت مالی نیاز دارد.

- پس نگرانی واقعی شما از عدم توجه به اخبار نیست، بلکه حکومت‌هایی است که توجهشان به جای دیگر است؟

آمی بارت (Amy Barret)
مترجم: م. سجودی

داستان شما به نام جشن بزغاله مارا با دیکتاتوری آشنا می‌کند که همان ژنرال رافائل تروخیلو از جمهوری دومینیکن است که در مجموع، شاید بیش از اندازه از نظر انسانی، نسبت به او دلسوزی و رقت به خرج داده شده است.

خب، من قصد نداشتم که از تروخیلو غولی بسازم فکر می‌کنم این کار تصنعی است. تروخیلو یا هیتلر یا استالین یا مائو دیکتاتورهایی هستند که انسانند. آن‌ها تبدیل به غول می‌شوند زیرا آنچنان قدرتی را در خود جمع می‌کنند که آن‌ها را به غول بدل می‌کند. اما من بیش‌تر می‌خواستم این تبدیل انسان به غول را نشان بدهم.

- ولی نگران نبودید که جنایت‌هایش در پس این جذابیت پنهان بماند؟

این جذابیت واقعی است. همه‌ی دیکتاتورهای نوعی نیروی شخصی دارند که می‌تواند برای مردم بسیار جذاب باشد. مقصودم این است که برای نمونه شما چطور می‌توانید هیتلر را توضیح بدهید؟ او توانست میلیون‌ها نفر از مردم را هیپنوتیزم کند. و برای

بخشی از الزام نویسنده است که در زندگی مدنی شرکت کند.

- چه شرایط و موقعیت های بسیار خاصی شمارا به صحنه ی سیاست برگرداند؟

می دانید، در آن زمان، دموکراسی مد نظر من بود که در پرو زمان بسیار بسیار سختی بود و می توانست نابود شود. و این که ما باید می کوشیدیم این نظام دموکراتیک را نجات دهیم. دلیل اصلی من برای شرکت در سیاست عملی همین بود. اما عمل نکرد. در نتیجه ما ده سال دیکتاتوری فاسد داشتیم.

- آیا اکنون که فوجی موری رفته است احساس رضایت می کنید؟

نه ابدأ. برای اینکه او کشور مرا تاراج کرد. من به سهم خود از آنچه در پرو پیش آمد شرمندم. و شرمندم که در زمان معینی این همه اهالی پرو شیفته ی چنین دیکتاتوری شدند. و نمی فهمم که چرا ژاپن از کسی پشتیبانی می کرد که صدها میلیون دلار را به غارت برد، مردم را به شکنجه گاه ها کشاند و به قتل رساند.



- پس چه مدت طول می کشد که به صحنه ی سیاست برگردید؟

من در سیاست حرفه ای شرکت نخواهم کرد. من به عنوان نویسنده در مجادله های سیاسی شرکت می کنم، و از آنچه فکر می کنم به دفاع نیاز دارد دفاع می کنم. اما سیاست حرفه ای هرگز، نه.

- هرگز؟ حتی اگر هموطنان شما را انتخاب کنند؟

قطعاً نه. نه تمایل دارم و نه اشتیاق.

بله. البته این قابل درک است. برای نخستین بار، ایالات متحده و اروپای غربی متوجه شده اند که تعصب گرایی با نوعی شخصیت قرون وسطایی می تواند شهرها را ویران کند و هزاران نفر را از بین ببرد. در هزاره ی سوم برخورد بزرگ بین ملت ها یا حتی ایدئولوژی ها نخواهد بود بلکه بین سازمان دموکراتیک جهان و تروریسم است.

- بین یک دیکتاتور و یک متعصب چه تفاوتی است؟

دیکتاتور کسی است که می خواهد قدرت داشته باشد و ثروت بسیار گرد آورد. اما اگر شما متعصب باشید باور دارید که هر کاری انجام می دهید الهام گرفته و مجاز شمرده از جانب خداست و به آن مشروعیت می دهید و اینکه صاحب حقیقت مطلق هستید، بنابراین می توانید به هر کاری دست بزنید، حتی بدترین کارها.

- آیا آسامه بن لادن می تواند نمونه ای از دیکتاتور هزاره ی سوم باشد؟

فکر می کنم چنین باشد. اما این اشتباه است که فکر کنیم آنچه اتفاق افتاده کاریک فرد است. بدبختانه آسامه بن لادن قابل جابه جایی است. مهم آن است که نه تنها آسامه بن لادن را از پا درآوریم؛ بلکه شرایط جوامعی که آسامه بن لادن ها را به وجود می آورند بهبود بخشیم.

- صحبت از بهبود بخشیدن جوامع به میان آمد، شما برای ریاست جمهوری پرو در سال ۱۹۹۰ فعالیت کردید که ناموفق بود.

بله، آن کاری بسیار استثنایی از شرایط و موقعیتی بسیار بسیار خاص بود. من سیاستمدار نیستم. من نویسنده ام و درباره ی سیاست می نویسم زیرا که فکر می کنم این